

فراتر از خبر

آيا جنگ ايران و آمريكا به عربستان سعودى رسیده است؟

سعید جعفری

۲۹ دقیقه پیش



آسیب به یک هواپیمای آواکس آمریکایی در پایگاه شاهزاده سلطان عربستان سعودی بر اثر حمله ایران در جنگ ۴۰ روزه

عربستان سعودی در ماه‌های گذشته هر کاری انجام داده تا از تبدیل شدن به یکی از میدان‌های جنگ ایران و آمریکا جلوگیری کند؛ از حفظ تماس با تهران گرفته تا تأکید بر این‌که خاک این کشور نباید سکوی عملیات علیه ایران باشد. اکنون اما گزارش‌های تأیید نشده درباره حمله ایران به یک پایگاه آمریکایی در خاک عربستان، این راهبرد را با جدی‌ترین آزمون خود روبه‌رو کرده است.

پایگاه خبری اکسیوس بامداد ۲۷ تیر به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد که ایران موشک بالستیک به سوی یک پایگاه نظامی آمریکا در خاک عربستان شلیک کرده است.

باراک راوید، خبرنگار اسرائیلی این رسانه، به نقل از یک مقام آمریکایی این اقدام را نخستین حمله مستقیم ایران به عربستان در نزدیک به چهار ماه گذشته توصیف کرد.

همزمان، مقام‌های سعودی از صدور هشدار دربارهٔ یک «خطر احتمالی» در دو منطقه الخرج و ينبع خبر دادند و ساعتی بعد بدون این‌که توضیحی دربارهٔ ماهیت آن ارائه دهند، از برطرف شدن این خطر خبر دادند.

منطقه الخرج محل استقرار پایگاه هوایی شاهزاده سلطان، یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی آمریکا در عربستان، است. با این حال، نه مقام‌های آمریکایی و نه عربستان تاکنون اعلام نکرده‌اند که حمله، در صورت وقوع، کدام پایگاه را هدف قرار داده است.

در سوی دیگر، رسانه‌های نزدیک به حکومت ایران این حمله را هشدار به کشورهای منطقه توصیف کردند که از عملیات نظامی آمریکا علیه ایران حمایت می‌کنند. با این حال، روایت‌های منتشرشده دربارهٔ جزئیات این رویداد یکسان نیست و تا زمان نگارش این گزارش، هیچ تأیید مستقلی دربارهٔ محل دقیق هدف یا میزان خسارت احتمالی آن منتشر نشده است.

هرچند هنوز نمی‌توان با قطعیت از حملهٔ ایران به عربستان صحبت کرد اما هم‌زمانی گزارش مقام آمریکایی با هشدارهای امنیتی در الخرج و ينبع، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا تهران در حال ارسال پیامی تازه به ریاض است؟ و اگر چنین حمله‌ای واقعاً رخ داده باشد، چه چشم‌اندازی در انتظار روابط نه چندان مستحکم بین تهران و ریاض خواهد بود؟

و شاید حتی پرسش اصلی فراتر از این حمله باشد: آیا چارچوبی که طی ماه‌های گذشته مانع از تبدیل شدن عربستان به یکی از میدان‌های اصلی جنگ شده بود، در حال فرسایش است یا ریاض همچنان می‌تواند خود را از تبعات مستقیم این منازعه دور نگه دارد؟

چرا عربستان سعودی نمی‌خواهد وارد جنگ شود؟

صرف‌نظر از این‌که چنین حمله‌ای واقعاً رخ داده یا نه، واکنش ریاض به این گزارش، شاید بیش از خود خبر اهمیت داشته باشد. عربستان گزارش‌ها در خصوص وقوع این حمله را تأیید یا تکذیب نکرده است؛ رفتاری که با رویکرد این کشور از آغاز جنگ همخوانی دارد.

از نخستین روزهای درگیری، مقام‌های سعودی بارها بر ضرورت جلوگیری از گسترش جنگ تأکید کرده‌اند. هم‌زمان، خبرگزاری رویترز به نقل از منابع دیپلماتیک گزارش داده که ریاض از طریق کانال‌های مختلف، هم با واشینگتن و هم با تهران، در تماس بوده تا مانع کشیده شدن جنگ به خاک عربستان شود. در همین چارچوب، این کشور تلاش کرده این پیام را نیز منتقل کند که قصد ندارد به سکوی عملیات نظامی علیه ایران تبدیل شود.

این رویکرد البته از زمان ازسرگیری روابط دیپلماتیک ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳ با میانجی‌گری چین شکل گرفت. توافقی که پس از هفت سال قطع روابط، زمینهٔ بازگشایی سفارتخانه‌ها و کاهش تنش میان دو رقیب منطقه‌ای را فراهم کرد. اگرچه این توافق همه اختلاف‌های دو کشور را از میان نبرد، اما دست‌کم یک کانال ارتباطی ایجاد کرد که در بحران‌های اخیر نیز به حفظ تماس‌های دیپلماتیک و جلوگیری از گسترش تنش کمک کرده است.

همین کانال‌های ارتباطی، همراه با هزینه‌هایی که گسترش تنش برای هر دو طرف به همراه دارد، احتمالاً از مهم‌ترین دلایلی بوده که تا امروز، با وجود تشدید تنش میان ایران و آمریکا، روابط تهران و ریاض وارد مسیر تقابل مستقیم نشده است.

این احتیاط دلایل روشنی دارد. ثبات داخلی، امنیت زیرساخت‌های انرژی و اجرای برنامهٔ «چشم‌انداز ۲۰۳۰» برای ریاض اولویت دارد و تجربه حمله به تأسیسات آرامکو نشان داد که حتی حملات محدود نیز می‌تواند هزینه‌های اقتصادی و امنیتی سنگینی به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، اگر حمله‌ای واقعاً رخ داده

باشد، تأیید رسمی آن عربستان را در موقعیتی دشوار قرار می‌دهد؛ یا باید به حمله به خاک خود واکنش نشان دهد، یا هزینه سیاسی و بازدارندگی سکوت را بپردازد. در هر دو صورت، حفظ راهبردی که تاکنون این کشور را تا حد زیادی از جنگ دور نگه داشته، دشوارتر خواهد شد.

آیا عربستان سعودی واقعاً خارج از جنگ مانده؟

با این حال، حفظ این موازنه تنها به تصمیم ریاض بستگی ندارد. از نگاه تهران، فاصله گرفتن سیاسی عربستان از جنگ لزوماً به معنای بی‌طرفی آن نیست.

عربستان همچنان میزبان یکی از مهم‌ترین شبکه‌های نظامی آمریکا در منطقه است. پایگاه هوایی شاهزاده سلطان، پایگاه‌های لجستیکی، سامانه‌های پدافندی و زیرساخت‌های نظامی آمریکا در خاک این کشور، بخشی از آرایش نظامی واشینگتن در خلیج فارس را تشکیل می‌دهند.

علاوه بر این، گزارش‌هایی نیز دربارهٔ استفاده آمریکا از برخی ظرفیت‌های لجستیکی کشورهای خلیج فارس در جریان عملیات نظامی اخیر منتشر شده است، هرچند هیچ مدرکی مبنی بر مشارکت مستقیم عربستان در حملات علیه ایران ارائه نشده است.

خبرگزاری فارس، نزدیک به سپاه پاسداران، در گزارشی در روز ۲۰ تیر با عنوان «تصاویر هوایی، سوخت‌رسان‌های آمریکایی عربستان را رسوا کرد» نوشته بود که تصاویر هوایی نشان می‌دهد هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکایی در عربستان به عنوان نیروی پشتیبان «تجاوز به ایران» فعالیت می‌کنند.

مقام‌های سعودی اما کوشیده‌اند این پیام را منتقل کنند که میزبانی از نیروهای آمریکایی به معنای مشارکت در عملیات نظامی نیست. اما مشخص نیست تهران نیز همین تفکیک را بپذیرد و اگر چنین حمله‌ای واقعاً رخ داده باشد، یکی از محتمل‌ترین اهداف آن می‌تواند ارسال پیام هشدار به ریاض باشد.

می‌توان احتمال داد که انجام چنین حملاتی با هدف ارسال پیام هشدار به طرف سعودی صورت پذیرد.

همین ابهام، حفظ موقعیت فعلی عربستان را دشوارتر می‌کند؛ کشوری که می‌کوشد هم شریک امنیتی آمریکا باقی بماند و هم خود را از پیامدهای مستقیم این جنگ دور نگه دارد.

اگر هدف از چنین حمله‌ای ارسال پیام به ریاض بوده باشد، خود انتخاب یک پایگاه آمریکایی، نه یک هدف سعودی، نیز قابل توجه است؛ تفکیکی که می‌تواند نشان دهد تهران همچنان تلاش می‌کند پیام بازدارنده خود را متوجه حضور نظامی آمریکا کند، نه لزوماً خود عربستان.

یمن؛ جبهه‌ای که هنوز کاملاً باز نشده است

حتی اگر تهران نخواهد مستقیماً وارد تقابل با عربستان شود، همچنان ابزارهایی در اختیار دارد که می‌تواند بدون هدف قرار دادن خاک این کشور، هزینه‌های جنگ را برای ریاض افزایش دهد. حوثی‌های یمن مهم‌ترین نمونه چنین ابزاری هستند؛ بازیگری که از زمان آغاز جنگ غزه بارها نشان داده می‌تواند امنیت دریای سرخ و باب‌المندب را به چالش بکشد.

در طول جنگ اخیر، حوثی‌ها دست‌کم تاکنون نقش نسبتاً محدودی ایفا کردند و دامنهٔ حملات آن‌ها با دوره‌های پیشین قابل مقایسه نبود. سیاستی که می‌تواند ریشه‌های متفاوتی داشته باشد؛ از فشارهای نظامی آمریکا و تلاش برای محدود کردن این گروه یمنی گرفته و همچنین ارزیابی تهران مبنی بر اینکه هنوز نیازی به استفاده از این کارت در این معادله احساس نشده است.

با این حال خبرگزاری رویترز در گزارشی در روز ۲۳ تیر به نقل سه منبع نوشته بود که تهران از حوثی‌ها خواسته آماده باشند تا در صورت حمله ایالات متحده به زیرساخت‌های برق، تنگه باب‌المندب را ببندند. همچنین یک منبع نزدیک به حوثی‌ها به رویترز گفت این گروه استقرار موشک‌ها و پهپادها در نزدیکی باب‌المندب را تکمیل کرده و تنها منتظر دستور برای آغاز عملیات است.

بیشتر در این باره:

حمله مرگبار حوثی‌ها در جنوب؛ دولت یمن پرواز حوثی‌ها به مراسم خامنه‌ای را محکوم کرد



اهمیت باب‌المندب در ماه‌های اخیر به‌طور چشمگیری افزایش یافته است. پس از آن‌که اختلال در تنگه هرمز بخش عمده صادرات نفت خلیج فارس را تحت تأثیر قرار داد، عربستان بیش از ۷۰ درصد صادرات معمول نفت خود را به بندر ینبع در ساحل دریای سرخ منتقل کرد.

بر اساس گزارش رویترز، صادرات از این بندر اکنون به حدود چهار میلیون بشکه در روز رسیده و در مجموع روزانه حدود ۷/۴ میلیون بشکه نفت، معادل حدود ۷ درصد تولید جهانی، از این آبراه راهبردی عبور می‌کند. به همین دلیل، اگر این تنگه نیز دچار اختلال شود، دو شریان اصلی صادرات انرژی خاورمیانه به‌طور هم‌زمان تحت فشار قرار خواهند گرفت؛ سناریویی که می‌تواند پیامدهای آن بسیار فراتر از منطقه باشد.

در نتیجه افزایش حملات به کشتیرانی در دریای سرخ، تهدید باب‌المندب یا حتی حمله دوباره به زیرساخت‌های انرژی، همگی سناریوهایی هستند که سابقه آنها وجود دارد و می‌توانند بدون کشاندن تهران و ریاض به یک جنگ مستقیم، هزینه‌های اقتصادی و امنیتی قابل توجهی برای عربستان ایجاد کنند.

تعادل زیر فشار جنگ

از زمان توافق ایران و عربستان برای ازسرگیری روابط دیپلماتیک با میانجی‌گری چین در سال ۲۰۲۳، تهران و ریاض با وجود همه اختلاف‌هایشان تلاش کرده‌اند رابطه دوجانبه را از تنش‌های منطقه‌ای جدا نگه دارند.

در شرایط فعلی به نظر می‌رسد که اولویت ریاض پرهیز از گرفتار شدن در جنگی باشد که برای آن برنامه‌ای نداشته است. مناقشه‌ای که سرنوشت مبهم آن ممکن است هزینه‌های قابل توجهی را به این قدرت نفتی در خلیج فارس تحمیل کند.

در مقابل برای تهران، گشودن جبهه‌ای تازه علیه عربستان دست‌کم در شرایط کنونی منفعت روشنی ندارد. چنین اقدامی نه فقط دامنه جنگ را گسترده‌تر می‌کند، بلکه می‌تواند بازیگر دیگری با توان نظامی و اقتصادی قابل توجه را نیز وارد معادله کند؛ نتیجه‌ای که جز هزینه، احتمالاً منفعت راهبردی قابل توجهی برای جمهوری اسلامی به همراه خواهد داشت.

با این حال، ادامه درگیری میان ایران و آمریکا حفظ این موازنه را دشوارتر می‌کند. هرچه نقش پایگاه‌های آمریکایی در کشورهای خلیج فارس پررنگ‌تر شود، تفکیک میان «میزبانی از نیروهای آمریکایی» و «مشارکت در جنگ» نیز از نگاه تهران پیچیده‌تر خواهد شد. در مقابل، عربستان نیز کار دشواری برای پیگیری هم‌زمان دو سیاست در پیش خواهد داشت: حفظ شراکت امنیتی با آمریکا و جلوگیری از آسیب دیدن روند تنش‌زدایی با ایران.

موازنه‌ای که بسیار شکننده و ظریف است و هرچقدر این تنش گسترده‌تر و طولانی‌تر شود، حفظ آن نیز دشوارتر خواهد بود.

با این حال، تحرکات نظامی آمریکا در خلیج فارس و همچنین برنامه‌ریزی‌های نظامی در منطقه، ممکن است جمهوری اسلامی را به سمت اتخاذ رویکردهای بیشتر خصمانه‌ای به سمت عربستان سوق دهد؛ چنین مسیری می‌تواند هزینه‌های امنیتی و اقتصادی سنگینی برای هر دو طرف به همراه داشته باشد.

دست‌کم بر اساس شواهد موجود، نه تهران و نه ریاض علاقه‌ای به فروپاشی این موازنه ندارند. اما ادامه جنگ می‌تواند شرایطی ایجاد کند که حفظ آن، نه به تصمیم سیاسی دو طرف، بلکه بیش از گذشته به تحولات میدان نبرد وابسته شود.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

جهان